

## تدقیقات تاریخی

### مملکت آتلانتیس

ترجمه از روزنامه آلمان «بترت»

پیش از اینکه بدرج اصل این مقاله پردازیم لازم است که در باره خود این مملکت که جز افسانه از آن چیزی نمانده شرحی را که در یکی از مجلات آلمانی دیده‌ایم بنویسیم:

«آتلانتیس نام مملکتی است که افلاتون نیز آنرا در کتاب خود «گریتیاس» ذکر کرده و از جنوب آسیا شروع کرده تمام بحر محیط اطلس را تا سواحل آمریکای وسطی اشغال مینموده است و بعدها بوسیله طوفانها و بلاهای آسمانی خراب و نابود شده.

بنا بروایات و افسانه‌ها نخستین بلای این مملکت هشتصد و پنجاه هزار سال قبل از این اتفاق افتاده که بآن واسطه از قطعه آسیا و آمریکا مجزی شده و بحال يك جزیره بزرگ که تمام محیط اطلس را پر میکرد افتاده است. بلای دوم آسمانی در دوست هزار سال پیش ظهور کرده که در نتیجه آن مملکت مذکور بدو قطعه منقسم شده یکی بنام «روتا» و دیگری بنام «دیتیا». بلای سیم در هشتاد هزار سال پیش بسر این مملکت آمده است و در نتیجه آن تمام این مملکت بغیر از يك جزیره آخرین که افلاطون آنرا بنام «پوزیدونیس» ذکر میکند بقعر دریا فرو رفته است و در بلای چهارم که یازده هزار سال پیش آمده است این جزیره آخرین نیز در نتیجه يك زلزله و طوفان آب

غرق شده است و حکایت طوفان نوح از آنجا در میان همه اقوام روی زمین پیادگار مانده.

در آنلاتیس هفت نژاد مختلف سکنا داشته و درجات مختلف تمدن را طی کرده بودند. در فن جنگ و کشتی‌رانی و استعمار ممالک دیگر مانند سواحل آفریقا و آمریکا ماهر بودند و پایتخت‌شان را «شهر زرین دروازه» مینامیدند. مذهب آنها نوعی از آفتاب پرستی بوده. قوه حافظه و تصویر آنها بسیار با قوت بوده و بیشتر در عالم مادیات ترقی کرده بودند و حتی بنا بروایتی هواپیمائی داشته‌اند که صد نفر را جا میداده است.

در خصوص موجودیت حقیقی این مملکت و طبایع و تمدنات سکنة آنجا بعضی کتابها نوشته‌اند و از آن جمله «دونلی» نام مؤلف آلمانی کتابی نوشته بعنوان «آنلاتیس — جهان قبل از طوفان» و در آنجا هر چه در کتب و افسانه‌های قدیم راجع باین مملکت اشاره بوده جمع کرده و نشان داده است که این قطعه، بعضی مستملکات در مکزیك و مصر و پرو و ایرلند و تیره داشته است.

بنا به «قوانین دوره‌وی» که نزد علمای فنون مخفی معروف است و بنا به پیشگوئی‌هایی که از قدیم مانده و نیز بنا بمشاهدات و تدقیقات مهم که از قبیل بلند شدن زمین‌ها از قعر محیط اطلس و پیدا شدن کوههای آتش‌فشان و غیره هر روز بعمل می‌آید بعضی از مدعیان علوم مخفی عقیده دارند که این مملکت غرق شده کم‌کم شروع بیرون آمدن از قعر محیط اطلس میکند.

[در شماره ۴۶ سال نهم جریده گلشن منطبعة طهران مقاله‌ای بعنوان «مهد بشریت» نقل از مجله فرهنگ درج شده که در آنجا خواننده می‌شود که کلنل «جامس جورج‌چوارد» انگلیسی در

هندوستان یکصد و بیست و پنج الواح قدیمه بدست آورده و به‌راهی علمای بودائی آنها را ترجمه کرده و از آنها ثابت می‌شود که مهد بشریت اقلیمی بوده بنام «مو» در موازات خط استوا و سیزده هزار سال قبل بواسطه وقوع زلزله بقعر اقیانوس کبیر فرو رفت...»

این اقلیم «مو» که در اینجا ذکر شده همان مملکت آنلاتیس میباشد و بعید نیست که روز بروز اطلاعات تاریخی و وثایق فنی پرده از روی حقیقت این مملکت افسانه‌نما بردارد. — ایران‌شهر [

آیا مملکت آنلاتیس دوباره از زیر آب بیرون می‌آید؟  
انقلاب در قعر دریا و روز زلزله شدید

خبرهای بسیار عجیبی از اوقیانوس اطلس میرسد. در نزدیکی خلیج «یسکایا» که میان فرانسه و اسپانی واقع است در قعر اسرار انگیز محیط اطلس تبدلات و انقلابات بسیار غریب و ناشنیده بوجود می‌آید.

در ۲۳ ماه مه که روزی است که زلزله شدید ژاپون بوقوع پیوسته، کشتی زره‌پوش فرانسوی موسوم به «لواره» که میان «اورو» و «روشفور» سفر می‌کرده در ساعت يك و ۴۵ دقیقه بعد از ظهر در وسط دریا گرفتار يك موج بسیار مهیبی می‌شود که تمام سطحه کشتی را زیر خود می‌گیرد. این موج خوفناک‌تر از همه امواجی بود که تا کنون در دریاها دیده شده است و پس از چند دقیقه دریا بحال اولی برگشت و آرام شد.

در ۶ ماه ژوئیه (۱۶ تیرماه) وقتی که همان کشتی بساحل «روشفور» از راه خلیج «یسکایا» بر میگشت شاهد يك حادثه غریبتری شد. در يك محل از دریا که عمق آن در روی نقشه‌های

دریائی ۵۰۰۰ متر داده شده است، يك نوع حرکات نموجی غیر معمولی و غیر منظم درك کرد که آن حرکات نموجی معمولاً همیشه رو بطرف ساحل پر از ریگ بعمل می‌آید. برای کشف حقیقت این حادثه کاپیتان امر کرد تا بواسطه آلت مخصوص عمق دریا را اندازه گرفتند و وقتی که فهمید عمق آن ۳۵ متر میباشد فوق العاده متحیر شد و برای اینکه هر گونه شبهه و سهو را ازاله کند يك چند اندازه‌های دیگر از جاهای مختلف گرفت ولی در همه آنها همه جا قعر دریا را میان ۳۰ و ۱۳۰ متر یافت در صورتیکه در نقشه‌های رسمی دریائی قعر آنجاها را ۴۰۰۰ و ۵۰۰۰ متر نشان داده بودند!

علاوه بر این روز ۲۳ ماه مه نیز روزی بوده است که در سواحل انگلستان آن طوفانهای خانه خراب کن بعمل آمد. از آبهای سواحل ژاپون نیز بالا آمدن خاک از قعر دریا را خبر میدهند. انجمن «هیدروگراف» (آب شناسی) ژاپون این تفسیرات قعر دریا را در چند رساله شرح و بسط داده است ولی در آنجاها بالا آمدن و فرو رفتن خاک به هزارها و حتی بسدها متر هم نمیرسد. برای پی بردن بچگونگی این انقلاب زیر دریائی باید يك آسمان یمائی را تصور کرد که بقدر کوه «مون بلان» بوده و از ۴ و ۵ هزار متر بلندی که چشم بزحمت آنرا میدیده است پائین آمده و در سی متر فاصله در روی دریا ایستاده باشد.

### غیبگویان در این باب چه میگویند؟

در حالی که این اخبار پاریس را در توحش انداخته است، یکی از معروفترین غیبگویان (واقفان علوم مخفی) بدیدن من آمد. از سه سال باینطرف او را ندیده بودم. آنوقتها او بدیدن

من آمده بود تا عقیده خود را در باره اینکه کدام غیب گوی حقیقی و کدام یکی غیبگوی دروغی میباشد بیان کند. در آنوقتها تنقیدات شدید بر ضد غیب گوی دروغی پروفیسور «وهر روین» در جریان بود. او با استعظام تمام گفت: «ما غیب گویان عارف از روی زمین از دیرگاه میدانیم که در سالهای آینده انقلابات بزرگ در کره زمین بحصول خواهد آمد. کوههای آتش فشان در جاهائیکه هیچ احتمال نمیرود انفجار خواهند کرد، زلزله‌های بسیار بزرگ تمام قطعات زمین را زیر و زبر خواهند کرد و بجای آنها قطعات تازه از قعر دریاها بیرون خواهند آمد. مملکت آنلاتیس (اطلس) که غرق شده است در نتیجه یک طوفان جدید دوباره بیرون خواهد آمد».

این مرد غیب‌گو امروز هم بدیدن من آمد و با چشمهای درخشان مضمی دار نگاهی کرده گفت: «البته میدانید که من برای چه آمده‌ام؛ سپس با یک صدای پر حرارت گفت: «قطعه آنلاتیس از ته دریا بیرون می‌آید». من قدری خندیده پرسیدم: «پس بجای آن کدام قطعه بقعر دریا فرو میرود؟» با صدای پست گفت: «احتمال دارد مملکت انگلستان و قسمتی از سواحل فرانسه و حتی شاید قسمتی از سواحل آلمان». در اینجا ترس مرا گرفت و میخواستم پرسم که آیا برلین هم فرو خواهد رفت.. اما اگر میگفت بلی، آنوقت چه بایستی کرد. آنوقت بایستی یا بالای کوه بگریزم و یا پناه بقله «ستون ظفر» برده و برای شما ابداً از فرو رفتن برلین صحبت نکنم زیرا آنوقت در بالای کوه دیگر جایی برای من نمیماند. امروز خیلی از این قبیل افسانه‌ها هست. خوب است یش از این باین غیب گویان گوش ندهیم و بلکه به بینیم علمای فن در این باب چه میگویند.

نانام